

ولادت دخت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضرت زینب (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



در برج ولایت است کوكب زینب	علامه نا رفته به مكتب زینب
گفتم به خرد، یگانه دوران کیست	بی پرده دوبار گفت : زینب زینب

یک سینی شقایق بهشتی

ای زینب کبری، دختر علی فرمانروای مطلق روح های بزرگ و ارجمند، زاده فاطمه، ای رسول انقلاب خونبار و آزادی بخش حسین (علیه السلام)، سلام بر تو باد.

پنجم جمادی الاول سالروز تولد مهین بانوی بزرگ اسلام زینب سلام الله علیها است، آنکه جهانی را مسحور عظیمت های روحی و معنوی خویش کرد و اسوه حسنه ای برای زن مسلمان است.

چشم گشودن در خانه ای که بودی دلاویز عطر وحی را با خود داشت و بالیدن در فضایی که به معنویت و جهاد و پارسایی و عظمت عجین شده بود از زینب کبری (علیه السلام) انسانی ساخت که هر انسان منصفی عظمت های او را به دیده اعجاب می نگرد و همین بالیدن در هوای جهاد و مبارزه و عشق و محبت، وی را آماده پذیرش مسئولیتهای بزرگ اجتماعی کرد ان بانوی نمونه این درس را در مكتب معلمانی بزرگ اموخته بود معلمانی چون فاطمه زهرا (علیه السلام) و حضرت علی (علیه السلام).

هنگام تولدش همه به پیامبر مژده می دادند و با همه سوابق و جنایاتی که عرب بدوی نسبت به دختران تازه مولود روا می داشتند، در شادی پیامبر ارزش زن را تعلیم گرفتند، شادمانی و سرور جد و پدر مردم را به خطاهای گذشته خود واقف می ساخت و به آنها می اموخت که داشتن دختر یعنی به دست آوردن دنیایی از محبت و لطافت روح. مردم می دیدند که پیامبر با شنیدن تولد دختری در خانه دخترش همان قدر مسرور است که در تولد حسن و حسین.

زینب را به پیش جدش پیامبر بردند، ای پیامبر نامی برای این مولود برگزین و از همین جا پیامبر آنچه که در

تصمیم روح و قلبش می گذشت به این دختر نشان داد، گفت او زینب پدر است او زینب است. یعنی زینب پدر، یعنی سرمایه معنوی خانه، یعنی، یعنی ارامش مادر و در ادامه مظلومیتهای پدر و مادر زینب نام دختری دیگر نیز بود. نام دختر تازه از دست رفته پیامبر، و گوئی پیامبر مسلمین می خواهد با این نام، زندگی کند، قبلا دختر خود را به این اسم خوانده بود و اینک دخت دخترش را.

بنی هاشم و مردم می دانستند که هر تولدی در خانه فاطمه (علیه السلام) پیامبر را مسرور می سازد، می دانستند پیامبرشان که ناقض همه اداب و رسوم جاهلی است در این میلاد نو، چگونه خواهد بود، آنها تبسمهای محمد (علیه السلام) را در تولد دخترش زهرا، از یاد نبرده بودند، و زینب زهرائی دیگر است، با همان شجاعت و سرنوشت و با همان اصالت و مظلومیت و با همان وظیفه و تعهد، زینب (علیه السلام) ادامه زهرا (علیه السلام) است، و زهرا (علیه السلام) عصاره پیامبر و پیامبر ثمره خلقت.

زینب رسول خون حسین است، مظلومیت تشیع علی و حسین را او بر پیشانی تاریخ حک نمود. فرو ریزنده حکومت وحشت و تباهی بنی امیه بود در روزگاری که حکومت بنی امیه پایه های قدرت خویش را فناپذیر می دانست و با کشتن فرزند رسول خدا زخمهای جهانی خویش را مرهم انتقام می نهاد او بود که با طنین فریاد خویش ستونهای استوار کاخ سبز را که به جای کلبه گلین پیامبر بنا شده بود به لرزه در آورد لرزه ای که به نابودی و متلاشی شدن حکومت پسران هند جگر خوار منتهی شد.

زینب خطیبی بود که با خطابه های شورانگیز و بیدارگر به روش پدر خویش به مبارزه با سنتهای جهانی که اینار لباس اسلام بر تن کرده بودند برخاست و در این جهاد سخت و توانفرسا از بذل عزیزترین کسان خویش دریغ نوزید، او بود که با کلام خویش ردای سرخ شهادت امام حسین را بیرق سرخ پیروزی ساخت و گرنه دشمن بر پیکر خونین نوادگان رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) اسب پیروزی تاخته، دارها برچیده و خونها شسته بود، گوئی در شب ظلمت حکومت آنان برگ از برگ نجنبیده و هرگز خون مظلومی بر زمین ریخته نشده بود. این زینب بزرگ بود که نگذاشت خون حسین (علیه السلام) را ریگزار تفدیده و تشنه صحرای کربلا ببلعد بلکه خونس چشمه جوشانی شد که از ان صحرای آتشخیز جوشیدن آغاز کرد و گسترده زمان را فرا گرفت و سبعت و درنده خویی حکومت وحشت امویان همه کس فهم شد این جوشش تا ان سوی مرز زمان همچنان ادامه دارد و اینهمه پیروزی در شهادت و غلبه خون بر شمشیر را شیعه مرهون تلاشها و مجاهدتهای این شیر زن بزرگ است. میلاد مهین بانوی بزرگ اسلام و روز پرستار بر همگان مبارک باد.

مقتدای پرستاران

تو را می بینم، ای عصاره عفت، ای مادر شجاعت، هموزن اراده خدا در زن بودن! ای زینب که بر بلندای عظمت خویش نظاره گر صحنه های تاریخی، تو را می بینم، و گریه امانم را می برد! گویا پیوند تو با گریه، اسطوره ای پایدار است. زینب ای روح خروشان تاریخ زن، ای پیامبر خون و شهادت! ای کوبنده ابناء مرجانه. سوزش دلت را چنان دیدم که امکان بیانش را نخواهم یافت، گوئی تو و غم با هم زاده شده اید و گوئی تو خدای اندوهی! در تولدت نیز باز این اشک است که می خندد! دست تو در دست مصائب بزرگ تاریخ، تجلی گاه اراده خدا شد. در

سالروز تولدت، چه غمگانه می خندم! چرا تنها در حضور تو، خنده مایوسانه خود را او می نهد، ای زینب؟! ای کوه درد، وای قله رفیع شجاعت و ای فریاد حق خواهی زن در تاریخ.

اگر نبود زهره مردانه ات، اگر نبود صبر جانانه ات، اگر نبود مقاومت دلیرانه ات و... چگونه، ندای حق خواهی کربلا، ابدی می شد؟ بت های ابن مرجانه را یکی پس از دیگری چه مردانه در صحنه کربلا در هم شکستی، یزید را چه مردانه در سوک نامردی اش نشانیدی. اگر چه در راه اسارت، گرده ات مهبط تازیانه ستم بود، لکن در مقرر خیانت، صلابت کلامت، آتش در خارستان ستم یزیدیان زد.

و بوی خون حسین از عطر کلام تو جاری شد. حسین اگر رفت تو را داشت که می ماندی و عاشقانه می خواندی که :

من، اسیر نیستم کز همهران وامانده ام	کوه صبرم کز هبوط عشق برجا مانده ام
-------------------------------------	------------------------------------

تو پرستار مظلومان تاریخی، تو دست محبت خدا بر سر یتیمان و درماندگانی، غنچه نگاهت چه معصومانه در دیار غربت شکوفانه شد. چه عاشقانه حسین را انچنان که باید به ایندگان شناساندی.

چه جانانه پرده های ستمگری، طغیان، ریا... از هم دریدی! زبانت شمشیر حسین بود در کام.

در سایه اراده تو زن، بت شکنی اموخت. بت ها شکستنی است هر چند بزرگ، اگر پیرو زینب باشند!

از مهربانی ات چه بگویم که مادر مهربانی هستی، تجسم محبتی برا بیماران و کودکان و سایه رحمت خدا برای درماندگان. روز تو روز محبت است. روز مهربانی است و روز پاشیدن عطر عاطفه بر چهره نیازمندان!

روز پرستار است!

تو مقتدای پرستارانی، پرچمدار رسیدگی به مظلومان و محرومان و دردمندانی تو مادر یتیمانی و پرستار در کنار تو جویای محبت خدا در دل بیماران خویش است.

زمزمه بیماران در نیمه شب، یاد اور ناله کودکان برادرانت، برای اوست!

و او بیاد نماز شب تو سحر خیز است. او بر درد بیمارانش، بیاد مصائب تو مرهم می نهد، او ناله درمانده ای را، یاد اور گریه یتیمان تو می داند.

تو مقتدای پرستاری، و پرستار در صف پرستاری ایستاده است، که او را دریایی!

او تو بار می خواند و تو او را خوب می شناسی که، دیدار او یاد اور مهربانی های توست. یاداور وفای توست، به حسین، به شهیدان، به بیماران و درماندگان، و به کسانی که در شهر درد و بیماری جز خدا، یآوری نداند.

روز تولد حضرت زینب (علیه السلام) روز پرستار، بر همگان مبارکباد!

همسنگر امام حسین (علیه السلام)

آنشب که گل از دامن مهتاب می ریخت	شبم به پای نخل باور آب می ریخت
آنشب که غم آهنگ شادی ساز می کرد	قفل اسارت را به گرمی باز می کرد
آنشب که ساقی بوسه بر پیمانه می زد	گیسوی شب را بهر مستان شانه می زد

آنشب که بهر باغ دل غم لاله می کاشت	درنیستان نینوانی ناله می کاشت
آنشب شفق دیوان فتح نور می خواند	بهر فلق شعر شب عاشورا می خواند
شهر مدینه طالب دیدار حق بود	چشم انتظار مطلع الفجر فلق بود
فطرس فراز آسمان ها بال می زد	فریاد آزادی و استقلال می زد
کای اهل عالم در دیار شور و شادی	زد خیمه روز پنجم ماه جمادی
دیوان خلقت را خدا زیب و فری داد	ساقی کوثر را ز کوثر کوثری داد
شیر خدا را داد خالق ماده شیری	قامت قیامت دختر روشن ضمیری
جبریل بر ختم رسل پیغام می داد	پیغام از پیروزی اسلام می داد
می گفت یا احمد شکوه باور آمد	بهر حسینت سینه چاک سنگر آمد
بر خلق عالم نعمتی عظمی ست دختر	سوم گل و گلوازه زهراست دختر
دختر مگو چون همتی مردانه دارد	از آیه «قالوا بلا» پیمانه دارد
دختر مگو که دختران را رهبر آمد	بی پرده گویم صبر را پیغمبر آمد
بر روی ما تا مهر رخشان در گشاید	رد بردباری مثل او مادر نزاید
از صبر او دین خدا پاینده گردد	هر مرده ای از انفاس گرمش زنده گردد
ثابت قدم مانند او گیتی ندیده	زیرا خدا او را حسینی افریده
در روز عاشورا که روز آزمون است	او فارغ التحصیل آن دارلفنون است
قنداقه اش را تا که پیغمبر گرفتی	صد بوسه از رخساره او برگرفتی
در دست پیغمبر ز دیده اشک می ریخت	کز اشک آواز چهره او رشک می ریخت
در دست باب تاجدارش گریه می کرد	گویی که از هجرنگارش گریه می کرد
با گریه اش صلح حسن را زنده کرد او	چون غنچه بر روی حسینش خنده کرد او
یعنی تو راجان برادر خواهر آمد	خواهر نه تنها یاور و همسنگر آمد

سرود در میلاد حضرت زینب (علیه السلام)

مژده مژده که سفیر راه عشق آمد	در مدینه به جهان ماه دمشق آمد
دخت خیر النساء زینب مرتضی، زینب آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا زینب آمد
خانه فاطمه روشن شده از نورش	لب مولا زعنایت گشته مسرورش
گوید او زیر لب، آمده زین آب، زینب آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد
گشته قنداقه او بر دامن احمد	گوید این بهر حسین است رحمت سرمد
زینتش نام نهید، احترامش کنید، عاشق آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد
عاشق روی حسین است قلب این دختر	بهر دیدار برادر میزند پرپر
از برای حسین، میکند شور و شین، عاشق آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد

مطالب بالا برگرفته از کتاب عاشورا تا غدیر تألیف محمد عسکری

زيارتنامه حضرت زينب (عليها السلام)

اذن دخول به حرم مطهر حضرت زينب (عليها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا ذُنَّ اللَّهِ وَاذُنَّ رَسُولِهِ وَاذُنَّ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَانْبِيَاءِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَالْأَيِّمَةَ الْمَعْصُومِينَ، وَيَا ذُنَّ السَّيِّدَةِ زَيْنَبِ الْكُبْرَى
بِنْتِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَذْخُلُ هَذِهِ الرَّوْضَةَ الْمُبَارَكَةَ، وَأَدْعُوا اللَّهَ بِقُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَأَعْتَرِفُ لِلَّهِ
بِالْعُبُودِيَّةِ، وَلِلنَّبِيِّ وَالْأَيِّمَةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالطَّاعَةِ، رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ،
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

زيارت اول حضرت زينب كبرى (عليها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ وَصِيَّ
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيِ النَّبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَتِي شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَفَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثَّقَفِيَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدْنَا حَوْصَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ،
وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا
سَيِّدِي، اللَّهُمَّ وَرْضَاكَ وَالْدَارَ الْآخِرَةَ، يَا سَيِّدَتِي يَا زَيْنَبُ، اشفعي لي في الجنة، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ
اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

«الزيارة المفجعة»

زیارت دوم حضرت زینب کبری(علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَظْلُومِ الْعُرْيَانِ، الْمَطْرُوحِ عَلَى الثَّرَى، وَقَالَتْ بِصَوْتِ حَزِينٍ: يَا أَبَى مَنْ نَفْسِي لَهُ الْفِدَاءُ، يَا أَبَى الْمَهْمُومِ حَتَّى قَضَى
يَا أَبَى الْعَطْشَانِ حَتَّى مَضَى، يَا أَبَى مَنْ شَيْبَتُهُ تَقْطُرُ بِالْدمَاءِ، أَلَسَلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتْ عَلَى جَسَدِ أَخِيهَا بَيْنَ الْقَتْلَى، حَتَّى
بَكَى لِبُكَائِهَا كُلُّ عَدُوٍّ وَصَدِيقٍ، وَرَأَى النَّاسُ دُمُوعَ الْخَيْلِ تَنْحَدِرُ عَلَى حَوَافِرِهَا عَلَى التَّحْقِيقِ، أَلَسَلَامُ عَلَى مَنْ تَكَفَّلَتْ
وَاجْتَمَعَتْ فِي عَصْرِ عَاشُورَاءَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَطْفَالِ الْحُسَيْنِ، وَقَامَتْ لَهَا الْقِيَامَةُ فِي شَهَادَةِ الطُّفْلَيْنِ الْغَرِيبَيْنِ
الْمَظْلُومَيْنِ،

أَلَسَلَامُ عَلَى مَنْ لَمْ تَنْمِ عَيْنُهَا لِاجْلِ حِرَاسَةِ آلِ رَسُولِ اللَّهِ فِي طَفِّ نَيْنَوَاءَ، وَصَارَتْ أَسِيرًا بِيَدِ الْأَعْدَاءِ، أَلَسَلَامُ عَلَى
مَنْ رَكِبَتْ بَعِيرًا بِغَيْرِ وِطَاءٍ، وَنَادَتْ أَخِيهَا أَبَا الْفَضْلِ بِهَذَا النِّدَاءِ: أَخَى أَبَا الْفَضْلِ! أَنْتَ الَّذِي أَرْكَبْتَنِي إِذَا أَرَدْتُ الْخُرُوجَ
مِنَ الْمَدِينَةِ، أَلَسَلَامُ عَلَى مَنْ حَطَبَتْ فِي مِيدَانِ الْكُوفَةِ بِخُطْبَةٍ نَافِعَةٍ حَتَّى سَكَتَتِ الْأَصْوَاتُ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ، أَلَسَلَامُ
عَلَى مَنْ احْتَجَّتْ فِي مَجْلِسِ ابْنِ زِيَادٍ بِاحْتِجَاجَاتٍ وَاضِحَةٍ، وَقَالَتْ فِي جَوَابِهِ بِبَيِّنَاتٍ صَادِقَةٍ، إِذْ قَالَ ابْنُ زِيَادٍ لِرَزِينِ بْنِ
سَلَامٍ اللَّهُ عَلَيْهَا كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ الْحُسَيْنِ؟

قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسِيرَةً بِأَيْدِي الْأَعْدَاءِ فِي الْفُلُوتِ، وَرَأَيْتِ أَهْلَ السَّامِ فِي حَالَةِ الْعَيْشِ
وَالسُّرُورِ وَنَشْرِ الرِّيَاسِ، وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَزِيدَ: يَا يَزِيدُ مَا ظَنُّكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
لَوْ رَأَى عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؟ ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ الْمَصَائِبِ زَيْنَبُ لِيَزِيدَ: تَقُولُ غَيْرَ مُتَأَثِّمٍ وَلَا مُسْتَعْظِمٍ: «لَا أَهْلُوا وَاسْتَهْلُوا فَرَحًا،
ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تَشَلْ» مُنْتَحِيًا عَلَى ثَنَائِهَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَنَكُّثُهَا بِمَحْضَرَتِكَ، ثُمَّ قَالَتْ: وَلَئِنْ
جَرَتْ عَلَى الدَّوَاهِي مُخَاطِبَتُكَ، وَإِنِّي لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ،

وَأَسْتَعْظِمُ تَقْرِيعَكَ وَأَسْتَكَثِّرُ تَوْبِيخَكَ، لَكِنَّ الْعُيُونَ عَبْرَى وَالصُّدُورَ حَرَى أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنْ إِقْدَامِكَ عَلَى
قَتْلِ حِزْبِ اللَّهِ التُّجْبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطُّلُقَاءِ، وَلَئِنْ اتَّخَذْتَنَا مَغْنَمًا لَتَجِدْنَا وَشِيكًا مَغْرَمًا، حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ
يَدَاكَ، وَمَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ، فَإِلَى اللَّهِ الْمُسْتَكِي وَعَلَيْهِ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، فَكَيْدُ كَيْدِكَ، وَاسْعَ سَعْيِكَ،
وَنَاصِبُ جَهْدِكَ، فَوَاللَّهِ لَا تَمْخُو ذِكْرَنَا، وَلَا تُمِيتْ وَحِينًا، وَلَا تُدْرِكْ أَمَدَنَا، وَلَا تُرَخِّصْ عَنْكَ عَارَهَا، وَهَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَتَدَا،
وَأَيَّامُكَ إِلَّا عَدَدًا، وَجَمْعُكَ إِلَّا بَدَدًا، يَا يَزِيدُ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» وَحَسْبُكَ بِاللَّهِ حَاكِمًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَصْمًا، وَبِجَبْرِيلَ عَدُوًّا، ثُمَّ
قَالَتْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَتَمَ لَنَا السَّعَادَةَ وَالْمَغْفِرَةَ، وَإِلَّا خَرْنَا بِالشَّهَادَةِ وَالرَّحْمَةِ، إِنَّهُ رَحِيمٌ دُودٌ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَيِّمَةَ الْمَعْصُومِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دعای بعد از زیارت

مرحوم علامه سید محسن امین(قدس سره) در مفتاح الجنات مفرماید: بعد از زیارت هر یک از انبیاء

وائمه(علیهم السلام) واولاد آنان مناسب است این دعا خوانده شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ وَنَدْعُوكَ وَنُقَسِّمُ عَلَيْكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ
الْاَكْرَمِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَنْ لَا تَدْعَ لَنَا فِيهِذَا
الْمَشْهَدِ الْمَعْظَمِ وَالْمَقَامِ الْمَكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا سُوءًا إِلَّا دَفَعْتَهُ، وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا
مَرِيضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَعَاقِبَتَهُ، وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ وَأَدْنَيْتَهُ، وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضَى وَلَنَا فِيهَا

صَلاَحُ إِلَّا قَضَيْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِاِبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا، وَاِخْوَانِ دِينِنَا،
وَأَقْرَبَائِنَا وَجِيرَانِنَا، وَمَنْ عَلَّمَنَا، وَمَنْ لَهُ فَضْلٌ عَلَيْنَا، وَمَنْ اتَّخَذَ عِنْدَنَا يَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، ذُنُوبَنَا كُلَّهَا،
صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَاعْصَمْنَا فِيْمَا بَقِيَ مِنْ أَعْمَارِنَا، وَارْحَمْنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا،
اَللّٰهُمَّ أَحْيِنَا مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَامِتْنَا مَمَاتِهِمْ، وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ
وَالنَّارِ يَا كَرِيمُ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا.